

## چگونه می توان با حدیث منزلت امامت و فلافت حضرت علی علیه السلام را ثابت کرد؟

سوال کننده : محسن عظیمی

**پاسخ :**

این روایت در بسیاری از کتاب های اهل سنت نقل شده که حتی می توان در باره آن ادعای تواتر کرد ؛ چنانچه برخی از علمای اهل سنت به این مطلب تصریح کرده اند . از آن جایی که دو کتاب بخاری و مسلم ، صحیح ترین کتاب های اهل سنت بعد از قرآن به شمار می آیند ، ما فقط روایاتی را که در این دو کتاب آمده ، نقل و نتیجه گیری خواهیم کرد .

محمد بن اسماعیل بخاری در الجامع الصحیح می نویسد :

عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي هَرَمَةَ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى .

**صحیح البخاری ، ج 4 - ص 208 .**

رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود : آیا خرسند نیستی از این که منزلت تو در نزد من ، مساوی با منزلت هارون علیه السلام در نزد موسی علیه السلام باشد ؟ .

عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ إِلَيَّ تَبُوكَ وَاسْتَخْلَفَ عَلِيًّا فَقَالَ أَتُخْلِفُنِي فِي الصَّبِيَّانِ وَالنِّسَاءِ قَالَ أَلَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ نَبِيًّا بَعْدِي .

**صحیح البخاری ، ج 5 - ص 129 .**

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله عازم جنگ تبوک شد حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود در مدینه تعیین فرمود .

حضرت علی علیه السلام که چنان انتظاری نداشت به عرض مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم داشت : آیا مرا به جانشینی خود در میان زنان و فرزندان ، معین می فرمائی ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود : آیا خرسند نیستی از اینکه منزلت تو نسبت به من ، برابر منزلت هارون علیه السلام نسبت به حضرت موسی علیه السلام باشد و از هیچ جهتی میان تو و او تفاوتی نیست ، تنها تفاوت آن است که پیغمبری پس از من مبعوث نمی شود .

و مسلم نیشابوری نیز در صحیح خود می نویسد :

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي قَالَ سَعِيدٌ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُشَافَهُ بِهَا سَعْدًا فَلَقَيْتُ سَعْدًا فَحَدَّثْتُهُ بِمَا حَدَّثَنِي عَامِرٌ فَقَالَ أَنَا سَمِعْتُهُ فَقُلْتُ أَنْتَ سَمِعْتَهُ فَوَضَعَ إصْبَعِيهِ عَلَيَّ أُذُنِيهِ فَقَالَ نَعَمْ وَإِلَّا فَاسْتَكْتَأَ .

**صحیح مسلم ، ج 7 - ص 120 .**

سعید بن مسیب از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود : منزلت تو در نزد من ، برابر با منزلت هارون علیه السلام در نزد حضرت موسی علیه السلام است ؛ جز این که پیغمبری پس از من مبعوث نمی شود .

سعید بن مسیب گفته است : آرزویم این بود که این حدیث را خودم از سعد بشنوم ، در ملاقاتی که با سعد دست داد حدیث مزبور را که از عامر شنیده بودم به اطلاع او رسانیدم . سعد گفت : آری ، «حدیث منزلت» را خودم شنیده ام سپس دو انگشت

را ، یکی در گوش راست و دیگری در گوش چپ گذاشت و گفت : آری ! با این دو گوش ، حدیث منزلت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده ام و اگر بر خلاف آنچه شنیده ای ، شنیده باشم ، امیدوارم شنوایی هر دو گوش را از دست بدهم ! .

عَنْ مُصْعَبِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ قَالَ خَلَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَخَلَّفَنِي فِي لِنْسَاءٍ وَالصَّبِيَّانِ فَقَالَ أَمَا تَرْضِي أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُعَاذٍ حَدَّثَنَا أَبِي حَدَّثَنَا شُعْبَةُ فِي هَذَا الْإِسْنَادِ .

صحیح مسلم ، ج 7 - ص 120 .

عَنْ سَعْدِ بْنِ إِبرَاهِيمَ سَمِعْتُ إِبرَاهِيمَ بْنَ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيٍّ أَمَا تَرْضِي أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى .

صحیح مسلم ، ج 7 - ص 121 .

عَنْ عَامِرِ بْنِ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التُّرَابِ فَقَالَ أَمَّا مَا ذَكَرْتَ ثَلَاثًا فَآلَهُنَّ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَنْ أُسَبَّهُ لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَهُ خَلْفَهُ فِي بَعْضِ مَغَازِيهِ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ خَلَفْتَنِي مَعَ النَّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا تَرْضِي أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نُبُوَّةَ بَعْدِي وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ قَالَ فَتَطَاوَلْنَا لَهَا فَقَالَ ادْعُوا لِي عَلِيًّا فَأَتَيْتُ بِهِ أَرْمَدًا فَبَصَقَ فِي عَيْنِهِ وَدَفَعَ الرَّايَةَ إِلَيْهِ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ { فَمَنْ تَعَالَا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ } دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي .

صحیح مسلم ، ج 7 - ص 120 - 121 .

در یکی از روزها، معاویه بن ابی سفیان به سعد بن ابی وقاص دستور داد تا به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام ناسزا بگوید ! سعد از دستور او سرپیچی کرد .

معاویه از وی پرسید : چرا علی را آماج ناسزا و دشنام نمی سازی ؟ سعد گفت : به دلیل آن که که سه خصلت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن علی علیه السلام شنیدم که با توجه به آن ها ، هیچگاه به سب و دشنام آن حضرت ، اقدام نمی کنم و هر گاه یکی از آن ها برای من بود ، بهتر و ارزنده تر از شتران سرخ مو که در اختیار من باشد ، به شمار می آوردم .

1. در بعضی از جنگ ها رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود ، در مدینه باقی گذاشت و حضرت علی علیه السلام به عرض رسانید :

یا رسول الله ! مرا به خلافت بر زنان و کودکان موظف می داری ! رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ او ، فرمود : آیا خرسند نیستی از این که منزلت تو نسبت به من ، همانند نسبت و منزلت هارون علیه السلام ، به حضرت موسی علیه السلام باشد ؛ با این تفاوت که پس از من پیغمبری مبعوث نمی شود ؟

2. در روز جنگ خیبر ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم ، می فرمود : پرچم اسلام را به دست کسی به اهتزاز می آورم که خدا و رسول را دوست می دارد و خدا و رسول هم ، او را دوست می دارند ! از شنیدن این سخن همه ما در انتظار چنان عطیه ای بودیم و دست ها از آستین بیرون آورده تا پرچم اسلام را در اختیار بگیریم ، همان زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : علی را به حضورم بیاورید . علی علیه السلام را در حالی به حضور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله دعوت کردند که حضرتش به درد چشم دچار بود ، رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان مبارک را در چشم حضرت علی علیه السلام چکانید ، دیدگانش شفا یافت و پرچم اسلام را که یادبود نصرت الهی بود ، به دست او سپرد و از برکت وجود حضرت علی علیه السلام ، فتح و پیروزی نصیب اسلام شد .

3 . هنگامی که آیه مباحله «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ» (آل عمران / 61) نازل شد ، رسول خدا صلی الله علیه و آله ، حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به حضور طلبید و فرمود : بار پروردگارا ! اینان اهل بیت من هستند .

### تواتر حدیث منزلت :

حاکم حسکانی از بزرگان اهل سنت ، بعد از نقل حدیث منزلت می نویسد :

وهذا [ها] حدیث المنزلة الذي كان شيخنا أبو حازم الحافظ يقول : خرجته بخمسة آلاف إسناد !!!

شواهد التنزيل - الحاكم الحسكاني - ج 1 - ص 195 - 196 .

این همان حدیث منزلت است که شیخ ما (استاد ما) ابو حازم حافظ (درباره اش) می گفت : من آن را به پنج هزار سند استخراج کرده ام .

آیا غیر از این حدیث ، حدیث دیگری در کتاب های اهل سنت یافت می شود که پنج هزار سند داشته باشد ؟

و ابن عبد البر ، یکی دیگر از استوانه های اهل سنت بعد از نقل حدیث می نویسد :

وهو من أثبت الآثار وأصحها رواه عن النبي صلي الله عليه وسلم سعد بن أبي وقاص وطرق حديث سعد فيه كثيرة جدا قد ذكرها ابن أبي خيثمة وغيره ورواه ابن عباس وأبو سعيد الخدري وأم سلمة وأسماء بنت عميس وجابر بن عبد الله وجماعة يطول ذكرهم .

الاستيعاب - ابن عبد البر - ج 3 - ص 1097 .

حدیث منزلت ، از ثابت ترین و صحیح ترین روایاتی است که سعد بن ابی وقاص از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است . طرق حدیث سعد بسیار زیاد است که آن ها را ابن ابی خيثمة و دیگران نقل کرده اند . و همچنین این روایت را ابن عباس ، ابو سعید خدری ، ام سلمه ، اسماء بنت عمیس ، جابر بن عبد الله و بسیاری دیگر که ذکر نام آن ها به درازا خواهد کشید ، نقل کرده اند .

و مزی نیز در تهذیب الکیمال می نویسد :

وروي قوله عليه السلام : " أنت مني بمنزلة هارون من موسى " جماعة من الصحابة ، وهو من أثبت الآثار وأصحها ، رواه عن النبي صلي الله عليه وسلم : سعد بن أبي وقاص ، وابن عباس ، وأبو سعيد الخدري ، وجابر بن عبد الله ، وأم سلمة ، وأسماء بنت عميس ، وجماعة يطول ذكرهم .

تهذيب الکیمال - المزي - ج 20 - ص 483 - 484 .

حدیث منزلت را جماعتی از صحابه نقل کرده اند که از صحیح ترین و ثابت ترین آثار به شمار می آید . این روایت را از نبی مکرم اسلام ؛ سعد بن ابی وقاص ، ابن عباس ، ابو سعید خدری ، جابر بن عبد الله ، ام سلمه ، اسماء بنت عمیس و بسیاری دیگر که ذکر نام آن ها به درازا خواهد کشید ، نقل کرده اند .

و محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی ، در کفایة الطالب ، صفحه 283 می نویسد :

هذا حدیث متفق علی صحته رواه الاثمة الحفاظ ، كأبي عبد الله البخاري في صحيحه ، ومسلم ابن الحجاج في صحيحه ، وأبي داود في سننه ، وأبي عيسى الترمذي في جامعه ، وأبي عبد الرحمن النسائي في سننه ، وابن ماجة القزويني في سننه ، واتفق الجميع علي صحته حتي صار ذلك اجماعا منهم ، قال الحاكم النيسابوري هذا حدیث دخل في حد التواتر .

این حدیثی است که اتفاق شده بر صحت آن ، روایت کردند آن را امامان حافظان احادیث مانند ابی عبد الله بخاری در صحیح خود ، و مسلم بن حجاج در صحیح خود ، و ابی داود در سنن خود ، و ابی عیسی ترمذی در جامع خود ، و ابی عبد الرحمن

نسائی در سنن خود ، وابن ماجه قزوینی در سنن خود ، و همگی اتفاق کردند بر صحت این حدیث تا آن جا که به اجماع آنان رسید ، حاکم نیشابوری گفت : این حدیثی است که در حد تواتر داخل شده است .  
پس در صحت سند این روایت هیچ شک و شبهه ای نیست .

## دلالت حدیث منزلت :

طبق این روایت و به مقتضای عمومیتی که پیامبر اسلام در جمله «بمنزلة هارون من موسي» به کار برده است ، هر مقامی را که هارون نسبت به موسی داشته ، برای امیر المؤمنین (علیه السلام) نسبت به پیغمبر (صلي الله عليه وآله و سلم) ثابت می کند ، و استثنا کردن مقام نبوت ، خود تأکیدی است قوی بر عمومیت مقام منزلت امیر المؤمنین علیه السلام .

## منزلت های هارون :

آنچه از آیات قرآن کریم استفاده می شود ، منزلت های هارون نسبت به حضرت موسی ، به پنج امر خلاصه می شود :

الف : مقام وزارت :

وزیر کسی است که امیر را در انجام امور یاری می کند و بار سنگین مسؤلیتی را که امیر دارد بر دوش می کشد ، و متصدی انجام آن می شود . و هارون در زمان حضرت موسی همین مقام را داشته است ؛ چنانچه در آیه 29 سوره طه از قول حضرت موسی علیه السلام آمده است :

وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِيْ هَارُوْنَ اَخِي .

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده ، برادرم هارون را .

و در آیه 35 فرقان آمده است :

وَ لَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسٰى الْكِتٰبَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ اَخَاهُ هَارُوْنَ وَزِيْرًا .

و ما به موسی کتاب (آسمانی) دادیم و برادرش هارون را یاور او قرار دادیم .

ب : مقام خلافت :

وَ وَاَعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنٰهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِّقٰتٍ رَبِّهِ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسٰى لِاَخِيْهِ هَارُوْنَ اَخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَ اَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ . الأعراف / 142 .

و ما با موسی ، سی شب وعده گذاشتیم سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم به این ترتیب ، میعاد پروردگارش (با او) ، چهل شب تمام شد . و موسی به برادرش هارون گفت : « جانشین من در میان قومم باش و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما » .

ج : اخوت و برادری :

هارون اخی .

از آن جایی که برادری هارون با موسی نسبی بود و پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم می خواست تمامی مقامات هارون نسبت به حضرت موسی در حق امیر المؤمنین علیه السلام تحقق یابد ، با امیر المؤمنین علیه السلام عقد اخوت بست و او را برادر خود در دنیا و آخرت خطاب کرد ؛ چنانچه حاکم نیشابوری و بسیاری دیگر از علمای اهل سنت نقل کرده اند :

عن ابن عمر رضي الله عنهما قال لما ورد رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم المدينة اخی بين أصحابه فجاء علي رضي الله عنه تدمع عيناه فقال يا رسول الله اخیت بين أصحابك ولم تواخ بيني وبين أحد فقال رسول الله صلي الله عليه وآله يا علي أنت اخی في الدنيا والآخرة .

المستدرک - الحاكم النيسابوري - ج 3 - ص 14 و عمدة القاري - العيني - ج 2 - ص 147 و الاستيعاب - ابن عبد البر - ج 3 - ص 1098 - 1099 و الجامع الصغير - جلال الدين السيوطي - ج 2 - ص 176 و تهذيب الكمال - المزي - ج 20 - ص 484 و ...

عبد الله بن عمر كُفِت : چون پیغمبر به مدینه وارد شد ، بین اصحاب اخوت و برادری بر قرار کرد ، پس علی ( علیه السلام ) با چشم گریان آمد ، گفت یا رسول الله اصحابت را برادر کردی ، و مرا با کسی برادر نکردی ، فرمود : " یا علی ، تو در دنیا و آخرت برادر منی "

د : مقام پشٹیبانی :

أشَدُّ بِهِ أُرِّي .

همان طوری که حضرت موسی از خداوند درخواست کرد که پشت او را به هارون محکم کند ، به مقتضای این حدیث مقام پشٹیبانی از حضرت خاتم برای امیر المؤمنین علیهما السلام ثابت می شود .

ه : شراکت در امر :

وَأَشْرَكَهُ فِي أَمْرِي .

همان طوری که هارون شریک کار موسی بود ، این مقام به مقتضای این حدیث و به نص صریح قرآن ؛ به جز در نبوت برای علی ( علیه السلام ) ثابت می شود .

در نتیجه با این حدیث تمامی مقامات حضرت هارون ؛ جز مقام نبوت ، برای امیر المؤمنین علیه السلام نیز ثابت می شود و امیر المؤمنین ؛ وزیر ، خلیفه ، برادر ، پشٹیبان و شریک در امر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است .

و شباهت دیگری که بین حضرت هارون علیه السلام و امیر المؤمنین علیه السلام وجود دارد ، این است که این مقامات را خداوند به درخواست پیامبر اسلام برای امیر المؤمنین اعطا می کند ، همان طوری که به هارون به درخواست حضرت موسی داده بود .

بسیاری از علمای اهل سنت روایت بسیار جالبی را نقل کرده اند که این مطلب را ثابت می کند :

عن ابن عباس ، بینما عبد الله بن عباس جالس علي شفیر زمزم يقول : قال رسول الله ( صلي الله عليه وآله ) إذ أقبل رجل ، متعمم بعمامة فجعل ابن عباس لا يقول قال رسول الله ( صلي الله عليه وآله ) إلا قال الرجل : قال رسول الله ( صلي الله عليه وآله وسلم ) فقال ابن عباس : سألتك بالله من أنت ؟ فكشف العمامة عن وجهه وقال :

أيها الناس من عرفني فقد عرفني ومن لم يعرفني فأنا جندب بن جنادة البديري أبو ذر الغفاري سمعت النبي ( صلي الله عليه وآله وسلم ) بهاتين وإلا فصمتا ، ورأيت بهاتين وإلا فعميتا وهو يقول : علي قائد البررة وقاتل الكفرة ، منصور من نصره ومخذول من خذله .

أ ما إني صليت مع رسول الله ( صلي الله عليه وآله وسلم ) يوما من الأيام صلاة الظهر فسأل سائل في المسجد فلم يعطه أحد ، فرفع السائل يده إلي السماء وقال : اللهم اشهد أنني سألت في مسجد رسول الله فلم يعطني أحد شيئا . وكان علي راكعا فأومي إليه بخنصره اليمني - وكان يتختم فيها - فأقبل السائل حتي أخذ الخاتم من ، خنصره ، وذلك بعين النبي فلما فرغ النبي ( صلي الله عليه وآله وسلم ) من صلاته رفع رأسه إلي السماء وقال :

اللهم إن أخي موسي سألك فقال : رب اشرح لي صدري ويسر لي أمري واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي واجعل لي وزيرا من أهلي هارون أخي أشدد به أزري وأشركه في أمري فأنزلت عليه قرآنا ناطقا : ( سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ ) اللهم وأنا محمد نبيك وصفيك اللهم فاشرح لي صدري ويسر لي أمري واجعل لي وزيرا من أهلي عليا أخي أشدد به أزري .

قال أبو ذر : فوالله ما استتم رسول الله [ صلي الله عليه وآله وسلم ] الكلام حتي هبط عليه جبرئيل من عند الله وقال : يا محمد هنيئا [ لك ] ما وهب الله لك في أخيك . قال : وما ذاك جبرئيل ؟ قال : أمر الله أمتك بموالاته إلي يوم القيامة وأنزل قرآنا عليك

: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . مائده / ۵۵ . ) .

مناقب علي بن ابي طالب (ع) وما نزل من القرآن في علي (ع) ، ابن مردويه الأصفهاني ، ص 293 ، ح 460 ، بتحقيق عبد الرزاق محمد حسين حرز الدين ، ط دار الحديث بقم المقدسة و تفسیر الثعلبي ، ج 4 ، ص 80 ، و تفسیر الكبير ، الرازي ، ج 12 ، ص 26 و شواهد التنزيل ، الحسكاني ، ج 1 ، ص 230 - 229 ، و مطالب السؤل في مناقب آل الرسول (ع) ، محمد بن طلحة الشافعي ، ص 170 ، و الفصول المهمة في معرفة الأئمة ، ابن الصباغ المالكي ، ج 1 ، ص 579 .

ابن عباس کنار چاه زمزم نشستہ بود و از رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) حديث نقل مي کردمردی که صورتش را با عمامه پوشیده بود نزدیک آمد و هرگاه که ابن عباس می گفت رسول خدا چنین فرمود ، او هم می گفت رسول خدا چنین فرمود ابن عباس گفت : تو را به خدا سوگند می دهم خودت را معرفی کن . پارچه را از صورتش برداشت و گفت :

ای مردم هرکس مرا می شناسد که می شناسد و آنان که نمی شناسند خودم را معرفی می کنم ، من جناب پسر جناده ابوذر غفاری از یاران رسول خدا (صلي الله عليه وآله وسلم) در جنگ بدر هستم ، از رسول خدا با دو گوشم شنیدم و با چشم هایم دیدم که اگر غیر از این باشد گر و کور باشم ، فرمود : "علي پیشوای نیکوکاران و کشنده کافران است ، هرکس او را کمک کند پیروز است و آن که او را خار نماید ذلیل و بی چاره شود ."

بدانید که روزی از روزها هنگام ظهر برای اقامه نماز در مسجد خدمت رسول الله بودم مردی نیازمند وارد شد و تقاضای کمک کرد ؛ ولی هیچ کس به وی کمکی نکرد ، علی که در همان لحظه و در حال رکوع و مشغول نماز بود ، دست راستش را که انگشترش در یکی از انگشتانش بود جلو آورد تا آن را به مرد نیازمند هدیه کند ، مرد فقیر انگشتر را در آورد ، پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله وسلم) این منظره را مشاهده نمود ، پس از پایان یافتن نماز دست به دعا بلند کرد و عرض کرد :

" خداوند برادرم موسی از تو تقاضا نمود تا به وی سعه صدر و گشایش در امور و بیانی رسا و شیوا و جانشینی برادرش هارون را عنایت فرمائی ، و تو ای خدا درخواستش را اجابت فرمودی ، و اکنون من پیامبر و فرستاده و برگزیده ات ، درخواست می کنم تا شرح صدر و آسان شدن کارهایم را به من مرحمت فرمائی و نیز برادرم علی را وزیر و جانشین من قرار دهی تا همراه و کمک من در کارها و پشتیبان رسالتم باشد ."

ابوذر می گوید:

هنوز سخن و تقاضای رسول خدا تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را از جانب خداوند بر وی تلاوت نمود «همانا پیشوا و رهبر و فرمانده شما خد و رسول او و مومنان هستند ؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در رکوع نماز ، زکات و صدقه می دهند .» .

این فضیلت آن قدر برای دشمنان رسول خدا گران آمده است که مثل همیشه دستان امانت دار آن ها روایت را طوری تغییر داده اند که قلب هر منصفی را می سوزاند و از طرف دیگر نهایت بی شرمی و رذالت بنی امیه را ثابت می کند .

ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب ، شمس الدین ذهبی در تاریخ الإسلام و ... نوشته اند :

حدثنا إسماعيل بن عياش سمعت حريز بن عثمان يقول هذا الذي يرويه الناس عن النبي صلي الله عليه وسلم أنه قال لعلي أنت مني بمنزلة هارون من موسى ، حق ولكن أخطأ السامع قلت فما هو فقال إنما هو أنت مني بمنزلة قارون من موسى قلت عمن ترويه قال سمعت الوليد بن عبد الملك يقوله وهو علي المنبر .

تاریخ بغداد - الخطیب البغدادي - ج 8 - ص 262 و تاریخ مدینة دمشق - ابن عساکر - ج 12 - ص 349 و تهذیب الکمال - المزی - ج 5 - ص 577 و تهذیب التهذیب - ابن حجر - ج 2 - ص 209 و تاریخ الإسلام - الذهبی - ج 10 - ص 122 و ... .

از حریز بن عثمان شنیدم که می گفت : این روایتی که مردم از پیامبر نقل می کنند که به علی علیه السلام فرمود : "تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی " درست است ؛ ولی راوی اشتباه شنیده است . راوی می گوید پرسیدم که

اصل روایت چگونه بوده است ؟ گفت : پیامبر فرموده : یا علی ! دشمنی تو با من ، همانند دشمنی قارون با موسی است .  
وقتی از او سؤال می کنند که این حدیث را از کی شنیده ای ؟ در جواب می گوید : من دیدم که ولید بن عبد الملک آن را بر  
بالای منبر می خواند .

به راستی چه قدر امیر المؤمنین علیه السلام مظلوم بوده است و چه دشمنان بی انصافی داشته است . به امید روزی که  
منقتم آل محمد ، ذوالفقار علی در دست از پس پرده غیبت بیرون بیاید و انتقام این همه ظلم و ستم را از آن ها بستاند .

**موضوع** **باشید**

**گروه پاسخ به شبهات**

**مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)**